

یادداشت •
 هفتمه فرورفر •

گام‌هایی برای اشتغال‌زایی زنان سرپرست خانوار

ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در سال ۱۳۸۴ تشکیل شد. این ستاد، به‌منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان سرپرست خانوار، توان خود را بر ارتقای سطح دانش و آگاهی جامعه هدف و رساندن آنها به سطح مطلوبی از توانمندی و صلاحیت متمرکز کرده است.

این ستاد، با نگرشی جامع به توانمندسازی، به‌عنوان یک فرآیند مستمر و پایدار، از هیچ تلاشی در راستای رفع مشکلات این قشر از جامعه، فروگذار نکرده است. تاکنون بیش از سه هزار، زن سرپرست خانوار تحت پوشش فعالیت‌های این ستاد قرار گرفته‌اند.

از دوره مدیریت قبلی، بیش از ۱۷هزار پرونده رسیدگی به امور زنان سرپرست خانوار و ۱۷هزار پرونده برای فرزند آنان افتتاح شده است.

ما در این ستاد، تنها به زنان سرپرست خانوار رسیدگی نمی‌کنیم، بلکه هدف ما، کل خانواده آنان، اعم از سرپرست و فرزندان او است؛ یعنی در بحث آموزش‌هایی که در حوزه‌های مختلف، ازجمله کارآفرینی و اشتغال به زنان سرپرست خانوار ارائه می‌شود، به فرزندان آنها نیز توجه و آموزش لازم صورت می‌گیرد.

حتی برای فرزندان زیر شش سال نیز تست اختلال یادگیری انجام می‌شود و این رسیدگی‌ها تا زمان کنکورشان ادامه دارد. برای تامین نیروهای متخصص، از «نذر فرهنگی» استفاده می‌کنیم. افراد بسیاری هستند که می‌خواهند با قصد کمک و یاری نیازمندان، وقت و زمان روزانه خود را وقف تدریس و مهارت‌آموزی به کودکان و نوجوانان و بزرگسالان کنند. لذا از آنان، تحت عنوان «نذر فرهنگی» کمک می‌گیریم.

این نذرها حتی در قالب کمک دندانپزشکان نیز صورت می‌گیرد. در این بین، نقش سازمان تامین اجتماعی به‌عنوان نهاد بیمه‌ای، اهمیتی اساسی دارد تا حمایت‌ها از این‌گونه خانوارها به حد کمال صورت گیرد. ما به دنبال این هستیم که این افراد، بیمه شوند. البته از ادوار گذشته، حدود ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر بیمه هستند. خیلی از این افراد، در حال حاضر کارآفرین شده و در بیرون از مراکز ما مشغول به کار هستند.

در حوزه اشتغال، ۷۰ مرکز با نام «کوثر» داریم که بیش از ۱۰۰۰ نفر در این مراکز کار می‌کنند. حدود ۷۰ درصد آنان، در کار تولید پوشاک و سایر نهادهای مربوطه و تایید برنامه مذکور برای عرضه و گسترش بیشتر فعالیت‌های آنان، نمایشگاه‌های عرضه پوشاک تولیدشده توسط آنان را برگزار می‌کنیم که در سال، دوبار تکرار می‌شود. این افراد، دارای سرمایه کلانی نیستند که بتوانند در چنین فعالیت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند. لذا از دستگاه‌های مختلف، درخواست کرده‌ایم تا تسهیلات مختلفی را به رسته‌های شغلی این افراد، تزریق کنند که متأسفانه، هنوز هیچ دستگاهی در این زمینه، قدمی جلو نگذاشته و کمکی نکرده است. فعالیت‌های این زنان، بیشتر در دو حوزه متمرکز است؛ پوشاک و زیورآلات.

ارزش افزوده پوشاک، زیاد است. در حوزه پوشاک انتظار این است که وزارت صنعت و دستگاه‌های حمایتی، از تولیدکنندگان پوشاک که در ذیل مجموعه کوثر فعالیت می‌کنند، حمایت کنند. کشور ترکیه از تولیدکنندگان پوشاک خود چگونه حمایت کرده است؟ انتظار داریم دولت نیز از ما حمایت کند. به دنبال این هستیم که افرادی که در مراکز مختلف مانند فنی‌وحرفه‌ای، بهزیستی و ... آموزش دیده‌اند، به‌عنوان یک شبکه مدون، گرد هم آمده و مدیریت شوند. در این مجموعه، سعی کرده‌ایم بیشتر پارچه مصرفی، ایرانی باشد تا از تولید ملی، حمایت بیشتری کرده باشیم. شبکه اشتغال خودمان را از طریق اتصال به برندها ایجاد کرده‌ایم. به این شکل، تلاش شده اشتغال زنان سرپرست خانوار، رونق بگیرد.

رئیس ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار
 شهرداری تهران

تخصیص ۳۰ هزار میلیارد تومان برای اشتغال فراگیر روستایی

رئیس سازمان برنامه و بودجه، از تخصیص ۳۰ هزار میلیارد تومان، به منظور توسعه اشتغال فراگیر روستایی خبر داد. به گزارش «ایرنا»، محمدباقر نوبخت گفت: «طرح‌های ایجاد اشتغال، از دو مسیر عبور می‌کنند: یکی از آنها، نظام تامین مالی است که براساس آن، ۲۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات ارائه می‌شود. علاوه‌برآن، یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار از صندوق توسعه ملی، به منظور اشتغال روستایی در نظر گرفته شده که معادل ۵ هزار میلیارد تومان است و پیش از این، بانک‌ها ۲۰ هزار میلیارد تومان دیگر هم پرداخت کرده‌اند.»

۱۰ | کتینه نو

بررسی چند پژوهش دانشگاهی مر تبط با اشتغال زنان سرپرست خانوار

زنان نان‌آور خانوار

■ عواملی که خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار را افزایش می‌دهد

هادی قوامی، نماینده فعلی بردسکن و عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد، در پژوهشی باعنوان «بررسی مقایسه‌ای زنان سرپرست خانوار خوداشتغال و زنان سرپرست خانوار دستمزد و حقوق‌بگیر در نقاط شهری ایران» در سال ۱۳۸۴ به این نتیجه رسیده بود که احتمال «خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار» نسبت به «سایر هم‌تایان مزد و حقوق‌بگیر» خود، با افزایش درآمد، بیشتر می‌شود. این احتمال، در بین سوادان و افراد کمترتحصیلکرده، بیشتر است، همچنین در بین سرپرست خانوارهایی که از سطح تحصیلات بسیار بالایی برخوردارند نیز، بیشتر است ولی در میان گروه‌هایی که تحصیلکرده دوره‌های کاردانی و لیسانس هستند، نسبت به زنان دستمزد و حقوق‌بگیر، کمتر است. احتمال این موضوع با افزایش سن، تعداد اعضای خانوار و وضعیت ازدواج سرپرست خانوار، رابطه مثبت دارد؛ یعنی ممکن است زن سرپرست خانوار، هیچ وقت ازدواج نکرده باشد یا همسرش را به علت طلاق یا فوت وی، از دست داده باشد.

■ وضعیت زنان سرپرست خانوار تحصیلکرده در بازار کار

چهار پژوهشگر شامل حسین کاکاوند، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، محمدصادق عوضعلی‌پور، پژوهشگر پژوهشکده مرکز آمار، فاطمه زندی، عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه آزاد تهران جنوب و مرجان دامن‌کشیده، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد تهران مرکز، در سال ۱۳۹۰، طی پژوهشی باعنوان «نقش جنسیت در مشارکت اقتصادی و عوامل موثر بر اشتغال زنان در ایران» به این نتیجه رسیدند که «خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر» از شانس بیشتری برای شغال بودن نسبت به «خانوارهای با سرپرست مرد بدون همسر»، «خانوارهای با سرپرست زن دارای همسر» و «خانوارهای با سرپرست زن بدون همسر» برخوردار هستند. براساس نتایج، اگرچه زنان سرپرست خانوار در حالت کلی نسبت به مردان سرپرست خانوار، شانس کمتری برای شغال بودن دارند؛ اما درصورتی که زنان سرپرست خانوار از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشند، شانس بیشتری برای شغال شدن نسبت به مردان خواهند داشت و از این روی، نقش



یکشنبه ۹ مهر ۱۳۹۶ ● شماره صد و بیست و دو

A T I V E H N O



درصورتی که زنان سرپرست خانوار از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشند، شانس بیشتری برای شغال شدن نسبت به مردان خواهند داشت.

بیشتری را در اقتصاد، بازی خواهند کرد.

■ اشتغال چه تأثیری روی زندگی زنان سرپرست خانوار می‌گذارد؟

دکتر افسانه ادریسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد تهران-شمال و زیبا حاتوند، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه آزاد تهران شمال در پژوهشی باعنوان «بررسی مکانیزم تأثیرگذاری اشتغال بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار» به این نتیجه رسیده‌اند که بین اشتغال، درآمد، سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی و احساس محرومیت نسبی و کیفیت زندگی، رابطه معنی‌داری

ضرورت احیای نقش نهادهای مدنی، در توانمندی زنان سرپرست خانوار

شورایاری‌هاست که به دلیل شناخت بهتری که از سطح اقتصادی و فرهنگی محلات دارند، و نیز رابطه مستقیمی که با مردم دارند، می‌توانند از غلتیدن خانوارها به زیر خط فقر و بروز مشکلات بیشتر، جلوگیری کنند. موردی که باید در آن تجدیدنظر کرد، نحوه اعطای فرصت به زنان سرپرست خانوار، از طریق اعطای وام و تسهیلات است. اعطای تسهیلات صرف به این افراد و رهاکردن‌شان به امان خدا، تنها به مقروض شدن خانوارها می‌انجامد و این افراد را به جایی نمی‌برد. در همین مورد اگر پای‌تعاونی‌ها یا ان‌جی‌اوها به موضوع باز شود، می‌توان به ایجاد یک بازار پایدار که عرضه و تقاضای کالا در آن شکل بگیرد، امیدوار بود. امروزه شاهد حضور برخی از ان‌جی‌اوها فعال در این عرصه هستیم که تولیدات زنان سرپرست خانوار را به فروشگاه‌های زنجیره‌ای می‌فروشند. در عین حال، مهم‌ترین چیزی که در مورد زنان سرپرست خانوار تولیدکننده، محل بحث است، بازاریابی ضعیف و ناتوانی در فروش تولیداتی است که تنها دارایی این افراد است و لازم است دولت، در این زمینه با ورود به مسئله، برای کالاهای انبوهی از این افراد، مثل قالی، محصولات غذایی و نیز صنایع دستی، بازار و مصرف‌کننده پیدا کند. دولت می‌تواند همچون گذشته، از طریق فروش محصولات این زنان به تعاونی‌های شهر و روستا، بازاری مطمئن و مناسب برای تولیدات زنان سرپرست خانوار فراهم کند.

استاد اقتصاد دانشگاه مازندران و مشاور وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی

نکرده است. مورد سوم به آسیب‌هایی برمی‌گردد که متوجه خود زنان سرپرست خانوار است. در واقع این زنان، به دلیل نداشتن شغل مناسب و مولد، دچار تنگنای معیشت شده و گاهی به سمت انحراف از روال درست و منطقی نقش‌آفرینی در اقتصاد سوق پیدا می‌کنند. یا توجه به این نکات، بهتر است با کمک گرفتن از راهکارهایی که به رفع این معضل کمک می‌کند، تلاش کرد تا از افزایش اندازه و سهم این مشکل، در چارچوب کلی اقتصاد ایران کاست. سیاستی که در دوره اصلاحات از طریق انجمن‌های غیردولتی عمومی پیگیری شد و کمک کرد تا تصویری واقعی‌تر از این خانوارها به دست سیاستگذار برسد. متأسفانه در هشت‌سال فعالیت دولت‌های نهم و دهم، با توجه به کاهش میزان همکاری با ان‌جی‌اوها، اجتماعی، سطح شناسایی این قبیل خانوارها کاهش یافت که تبعات آن، امروزه به خوبی دیده می‌شود. لازم است در دوره اخیر، با عنایت به تجربه موفق عصر اصلاحات، سیاست همکاری و همراهی با ان‌جی‌اوهایی که در راستای مقابله با آسیب‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، را احیا کنیم. با کمک خبرانی که واقعا به رفع معضلات اینجیننی علاقه‌مندند و نیز همراهی ان‌جی‌اوها، می‌توان بسیاری از مشکلات را با آموزش زنان سرپرست، فراهم کردن فرصت‌های شغلی و حمایت‌های مادی، از سر خانوارها برداشت. دیگر راهکاری که به نظر می‌رسد برای رفع بخشی از معضلات فعلی مفید باشد، کمک گرفتن از توان شهرداری‌ها و نیز نهادهایی عمومی مثل سراهای محله و

اینکه سال‌هاست میزان «خانوارهای زن سرپرست» کشور از ۱۲/۵ درصد، بیشتر نشده که به نظر می‌رسد این آمار، چندان دقیق نیست؛ مخصوصا اینکه در این سال‌ها، میزان طلاق به میزان چشمگیری رشد داشته و در عین حال، تعداد زندانیان سرپرست خانوار، زنانی که شوهر معتاد دارند یا دخترانی که هرگز ازدواج نمی‌کنند در حال افزایش است. در نخستین گام، لازم است نسبت به تهیه آمار دقیقی از این خانوارها و گستردگی مشکل اقدام کرد. از آن سو دولت، به دلیل پراکندگی نهادهای متولی مبارزه با فقر از قبیل کمیته اسداد، معاونت رفاه وزارت کار، بهزیستی و چندین و چند دستگاه دیگر، قادر نیست ابعاد دقیقی از خانوارهای اینجیننی را شناسایی کند یا سطح و عمق دقیقی از مشکلات را برای ارتقای شیوه سیاست‌گذاری، به دولت گزارش کند. دوم اینکه از مدت‌ها قبل که دولت‌های مختلف، به دنبال حل مشکلات زنان سرپرست خانوار بوده‌اند، همواره معضلی به نام نگاه تک‌عاملی به این پدیده وجود داشته که مانع از حل کامل قضیه شده است. خانوارهای زن سرپرست، به‌واسطه ساختاری که دارند، آینده چندان روشنی را پیش روی خود نمی‌بینند؛ چرا که با توجه به فقری که عمده این خانوارها با آن درگیرند، چرخه فقر، اغلب بچه‌هایی فقیر و نسلی کم‌سواد و بی‌پره از آموزش خلق می‌کند که نمی‌توانند در آینده از عهده تامین نیازهای اولیه خود برآیند. متأسفانه نگاهی به وضعیت فعلی این خانوارها نشان می‌دهد که نتیجه سیاست‌های فعلی، چندان به رفع چرخه‌های فقر در این خانوارها کمک

یادداشت •
 زهرا کریمی •

مدت مدیدی است که علی‌رغم تلاش دولت‌های مختلف، به‌منظور حل معضلات خانوارهایی که سرپرستی آنان به‌عهده زنان است، وضعیت این قشر از جامعه که بنابر آمارهای رسمی، تا ۱۲/۵ درصد کل خانوارهای کشور را شامل می‌شوند، تغییر چندانی نکرده است. درواقع علی‌رغم اعمال برخی سیاست‌ها و هزینه‌کردن بودجه، مشکلات زنان سرپرست خانوار، در حال افزایش است. پراکندگی دستگاه‌های متولی امر و همچنین ضعف راهبرد شناسایی و حل معضلات این خانوارها از عمده‌ترین مشکلاتی است که موجب شده تا نسبت به حل کامل این معضل یا کاهش بخشی از آن، توفیقی حاصل نشود. در همه دنیا، مطالعات مختلفی در این باره صورت گرفته و در همه آنها اثبات شده که فقر زنان سرپرست خانوار، در نهایت به ایجاد معضلاتی متعدد برای فرزندان و خانواده منجر خواهد شد. از همین رو است که نحوه سیاست‌گذاری برای رفع معضلات خانوارهای دارای سرپرست زن، باید متناسب با میزان بحرانی بودن این موضوع، تغییر کند و جدی‌تر شود.

از نگاه نگارنده، عدم توفیق کشور در حل مشکلات زنان سرپرست خانوار، چند نتیجه عمده دارد که سعی می‌کنم آنها را در یک قالب کلی، به شکلی مدون ارائه کنم تا ضمن تشریح هرچه بهتر مسئله، چارچوب کلی نیازمندی‌های یک قشر گسترده از جامعه به شکلی شفاف، طرح شود. نخست